

پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کار آفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش پاپی شهرستان خرم‌آباد)

زهرا حجازی زاده¹، علی منظم اسماعیل پور²، مهرشاد طولایی نژاد³

چکیده

توسعه کارآفرینی ضمن ایجاد اشتغال و درآمد می‌تواند کاهش بیکاری روستاییان را به دنبال داشته باشد. برای توسعه کارآفرینی لازم است پیش‌نیازهای آن فراهم گردد. حال سوال این است که آیا عوامل و پیش‌نیازهای موثر بر فعالیت‌های کارآفرینی بین مردان و زنان به خصوص در مناطق روستایی باهم تفاوت دارد یا ندارد. لذا در این تحقیق به بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی پرداخته شد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. جامعه آماری زنان و مردان روستایی بخش پاپی شهرستان خرم‌آباد می‌باشد (N=8775). با استفاده از فرمول کوکران 330 نمونه (172 مرد و 158 زن) انتخاب شد. برای رسیدن به سوالات پژوهش، از آزمون‌های تحلیل واریانس، آزمون‌های تعقیبی (Post-Hoc) و مدل رگرسیون لجستیک باینری (روش LM- نیوتن - مارکارد - رافسون) استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت قابل توجهی بین عوامل و پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی وجود دارد. پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی از نظر مردان روستایی (علاوه بر عامل اقتصادی که بین زنان و مردان مهم‌ترین پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی بوده) تحت تأثیر عوامل زیرساختی و ساختاری - نهادی می‌باشد؛ در حالی که عوامل خانوادگی و اجتماعی - فرهنگی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی بوده است. با توجه به نتایج و برای توسعه کارآفرینی و به ویژه در مناطق روستایی لازم است به عامل جنسیت کارآفرینان توجه ویژه‌ای داشت و برای رفع موانع کارآفرینی با توجه به جنسیت کارآفرینان استراتژی و الگوی متناسب اتخاذ گردد.

کلیدواژه: جنسیت، کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، توسعه روستایی، مدل لجستیک، شهرستان خرم‌آباد

1. استاد اقلیم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی تهران، (hedjazizadeh@yahoo.com)

2. استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور تهران، (moazzam_ali_1350@yahoo.com)

3. دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، (نویسنده مسئول: mehrshad_t65@yahoo.com)

بحران‌های اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ به بعد در سطح جهان بوجود آمد باعث شد که در زمینه به دست آوردن سرمایه، زنان همواره نسبت به مردان با مشکلات بیشتری روبرو باشند (Pines and Schwartz, 2008: 186). این بحران‌ها دربرگیرنده غالب بخش‌های ساختاری، اقتصادی و عملکردی آنها می‌شود (محمدی‌یگانه، ۱۳۹۲: ۴۶). این در حالی است که در اکثر کشورهای توسعه یافته مدیریت یک سوم تمامی کسب و کارها بر عهده زنان (بیش از ۲۵ درصد) می‌باشد (Still and Timms, 2000: 273). ولی، طبق گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^۱ (۲۰۱۱) در کشورهای غیرپیشرفته با اینکه زنان به طور متوسط ۴۳ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند (صادقی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۷۲). با این وجود سهم آنها، معیشت، حقوق و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها نسبت به مردان در سطح پایینی قرار داشته است (Terry, 2009: 6). علاوه بر این، در کشورهای در حال توسعه، زنان با اینکه در فعالیت‌های مختلف همراه مردان کار می‌کنند و نقش‌هایی مانند بارداری و مادری، خانه‌داری و بچه‌داری که در سلسله مراتب اجتماعی در اختیار دارند (Shahriar, 2018: 763)، همواره جزء فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه بوده و در مقابل اشکال مختلف آسیب‌های، اقتصادی، اجتماعی و محیطی زیستی قرار داشته‌اند (Mac Gregor, 2010: 127). این نابرابری ساختاری و آسیب‌پذیری، کیفیت زندگی آنها را نیز کاهش داده است (Chandra et al, 2017: 45). در این بین زنان روستایی همواره بیشتر از زنان شهری در معرض این نابرابری و آسیب‌ها قرار دارند (Pelling et al, 2015: 116). از جمله راهکارهای مهم کاهش این تفاوت‌ها، کاهش آسیب‌های زنان روستایی و افزایش توانمندی و اشتغال آنها و توسعه فعالیت‌های کارآفرینی می‌باشد (مومنی‌هلالی و موذن، ۱۳۹۴: ۱۱۱). به طوری که بیشتر محققان کارآفرینی را مهم‌ترین راهکار خارج کردن افراد به حاشیه رانده شده در مناطق روستایی در نظر گرفته‌اند (Ahl, 2006: 597). بررسی‌ها نشان داد که در جوامع سنتی و روستایی تمایل به ایجاد کسب و کار و کارآفرینی بین مردان و زنان متفاوت است (Chandra et al, 2017: 45). با این حال برای توسعه کارآفرینی پیش-نیازهایی وجود دارد و جهت برنامه‌ریزی و اتخاذ استراتژی متناسب برای هرکدام از جنسیت‌ها، شناسایی این پیش-نیازها و محرک‌ها با توجه به ابعاد جنسیتی مهم است. از جمله این پیش‌نیازها و محرک‌ها می‌توان، به عوامل فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی، فردی، خانوادگی، دولتی، مالی، ترویجی، انگیزشی و پشتکار خود فرد کارآفرین اشاره نمود و برای توسعه کارآفرینی، شناسایی این پیش‌نیازها با توجه به مباحث جنسیتی مهم و ضروری می‌باشد. در مناطق روستایی بخش پایی شهرستان خرم‌آباد در استان لرستان نیز با توجه کمبود گزینه‌های امرار معاش و درآمد غیرکشاورزی، توسعه کارآفرینی برای به حداکثر رساندن منابع درآمدی و پیشرفت روستاییان، حفظ بافت اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی، احیای اقتصاد محلی، همچنین برای افزایش نقش زنان و مردان روستایی در فرایند تولید و درآمدزایی خانواده و اثراتی که توسعه کارآفرینی می‌تواند بر پایداری فعالیت‌ها و دارایی‌های معیشتی به ویژه برای زنان روستایی در منطقه می‌تواند داشته باشد، بر اهمیت کارآفرینی و ایجاد کسب و کار در نواحی روستایی این منطقه افزوده است. با این حال وضعیت زنان روستایی این منطقه همواره در سطح پایین‌تری نسبت به مردان قرار دارند. در این بین توجه به پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی، برای افزایش کارایی و توسعه کارآفرینی و کاهش ترس از شکست کسب و کار به خصوص در بین زنان، و ارائه راه‌کارهای مناسب در این زمینه، لازم و ضروری می‌باشد. لذا با توجه به اهمیت این موضوع در پژوهش حاضر به بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان در مناطق روستایی بخش پایی شهرستان خرم‌آباد پرداخته شد. برای این پژوهش سوالات زیر

1- Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)

مطرح شد: ۱- مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی روستایی کدامند؟ آیا پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی برای مردان و زنان روستایی متفاوت می‌باشد؟ ۲- مهم‌ترین پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی مردان و زنان کدامند؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

کارآفرینی به طور فزاینده‌ای به عنوان پیش‌نیاز رشد اقتصادی، بهره‌وری و نوآوری شناخته می‌شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶). از نظر شومپتر^۱ پدر کارآفرینی در جهان (۱۹۳۴) قهرمان، شخصی باهوش، قاطع، خطرناک و تهاجمی است که انگیزه‌ای برای موفقیت و کنترل یا ایجاد یک کسب و کار از خود دارد. یعنی کارآفرین باشد (Schumpeter, 1994: 214). برخی محققان نیز کارآفرینی را موتور و محرکه توسعه اقتصادی محسوب می‌کنند (حیدری‌ساربان، ۱۳۹۱: ۱۶۰). در تعریف دیگری، کارآفرینی به عنوان گرایش فردی برای ایجاد کسب و کار جدید بیان شده است (Koellinger et al, 2013: 215). از نظر موکویا^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، کارآفرین کسی است که ایجاد شغل می‌کند. بیشتر محققان کارآفرینی را به عنوان یک فعالیت مردانه تعریف می‌کنند که در قلمرو مردان قرار دارد (Welsh et al, 2018: 483) و با وجود افزایش تعداد زنان کارآفرین، کارآفرینی در مناطق روستایی هنوز با ویژگی‌های مردانه همراه است و تعداد زنان کارآفرین روستایی اغلب کمتر از مردان است (Jennings and Brush, 2013:665). در ادبیات عمومی نیز نقش زنان کارآفرین در بهترین حالت به حاشیه رانده می‌شود و در بدترین حالت از دست رفته و کم می‌شود (Ahl, 2006: 597). در حالی که حضور زنان در بازار کار و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی، به یکی از شناسه‌های مهم توسعه انسانی تبدیل شده (Kantor, 2002: 79) که می‌تواند مزایایی چون ایجاد اشتغال، کسب درآمد، استقلال زنان؛ ترکیب وظایف شغلی با تعهدات خانواده را به دنبال داشته باشد (Anja, 2012: 69). به خاطر اثر مثبت کارآفرینی، ایران نیز به کارآفرینی به عنوان راه‌حل بالقوه اساسی برای مشکلات مختلفی مانند افزایش نرخ بیکاری، تعداد بیش از حد دانش‌آموختگان دانشگاهی و ناتوانی بخش خصوصی و دولتی برای ارائه شغل به دانش‌آموختگان دانشگاهی نگریسته‌اند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶). با این حال در ایران به بحث جنسیت و کارآفرینی توجه چندانی نشده است. در حالی که اکثر محققان و سازمان‌های بین‌المللی جنسیت و کارآفرینی را عامل بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته‌اند. همچنین تحقیقات اندکی راجع به عوامل و پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی در داخل کشور انجام شده است.

در زمینه جنسیت و کارآفرینی نظریات و مطالعاتی در خارج کشور صورت گرفته است. در برخی مطالعات، عامل جنسیت به تفاوت میان زنان و مردان و اینکه آیا جنسیت به رفتارهای فردی خاصی در راه‌اندازی کسب و کار جدید منجر می‌شود یا خیر، توجه دارد (Rittippan and Kokchang, 2011: 217). در برخی مطالعات، بر تفاوت‌های جنسیتی در انجام کسب و کار و نیز در روش‌های جذب سرمایه با هدف توسعه کارآفرینی تاکید داشتند (Sánchez et al, 2014: 749). در زمینه جنسیت و کارآفرینی نظریات مختلفی بیان شده که از جمله می‌توان به دیدگاه ساختارگرایی، نظریات فمینیستی، جامعه‌شناسی ماتریالیسم، اقتصاددانان، روان‌شناسان و غیره اشاره کرد.

اکثر نظریه پردازان که منشاء عوامل جنسیتی را مطالعه می‌کنند، دیدگاه اجتماعی یا دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند (Wood and Eagly, 2002: 700). محققان این دیدگاه تأکید می‌کنند که تفاوت‌های جنسیتی در پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی ریشه در زیست‌شناسی و ژنتیک جنس‌ها (مردان و زنان) دارد (Lawrence, 2006: 14). تفاوت جنسیتی در تمایلات کارآفرینی از جامعه‌پذیری جنسیتی، یعنی نحوه آموزش و پرورش مختلف مردان و زنان، به وجود می‌آید (Bruton et al, 2013: 684). به همین ترتیب، عوامل توسعه

1- Schumpeter's

2 - Mokaya

کارآفرینی به طور ذاتی در میان مردان و زنان متفاوت هستند (Bussey and Bandura, 1999: 676). در نتیجه ساختارگرایان پیش‌نیازهای جنسیتی متفاوت را نتیجه ساختارهای اجتماعی و محیط زیست محلی می‌دانند (De Lamater and Hyde, 1998: 12). لذا پارادایم ساختارگرایان تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی در تمایلات کارآفرینی را نتیجه نحوه آموزش و پرورش مختلف مردان و زنان در نظر گرفته است.

نظریه فمینیستی که پیشینه‌های طولانی در رابطه با حقوق زنان و تحلیل روابط جنسیتی دارد، رویکرد مفیدی برای مطالعه جنسیت و کارآفرینی می‌باشد. دو شاخه اصلی لیبرال فمینیسم و فمینیسم اجتماعی در دل این نظریه قرار دارند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹). فمینیسم لیبرال بیان می‌دارند که مردان و زنان به دلیل عوامل موقعیتی، رفتار متفاوتی هم دارند؛ در حالی که فمینیسم اجتماعی فرض می‌کند که تفاوت‌های جنسیتی در رفتار ناشی از عوامل وضعی است (Bruton et al, 2013: 684). به طور کلی از نظر محققان فمینیستی، عدم حضور زنان در فعالیت کارآفرینی، نتیجه تبعیض و محرومیت سیستماتیک زنان در دسترسی به منابع حیاتی مانند آموزش و امور مالی است (Shahriar, 2018: 763). لذا اگر زنان به فرصت‌های برابر دسترسی پیدا کنند، تفاوت‌های جنسیتی در کارآفرینی کاهش یا ناپدید می‌شوند.

از نظر جامعه‌شناسی ماتریالیسم نیز موقعیت زنان و مردان در جوامع مردسالار و یا مادرسالار نیز متفاوت می‌باشد (Gneezy et al, 2009: 1638). در این دو جوامع، مردان و زنان به شیوه‌های متضاد آموزش می‌یابند (Shahriar, 2018: 764). در دو جامعه مادرسالار و پدرسالار پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی زنان و مردان نیز متفاوت خواهد بود. در جامعه پدرسالار زنان کمتر از مردان تمایل به کسب و کار جدید دارند و شان اجتماعی بر توسعه کارآفرینی اثرگذار است. نظریه‌های روان‌شناسان برای توسعه کارآفرینی، ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان از جمله مخاطره‌پذیری، میل به استقلال‌طلبی، اعتماد به نفس، ویژگی‌های انگیزشی و شخصیتی را شرط لازم برای توسعه کارآفرینی در نظر می‌گیرند (Chowdhury, 2007: 240). در نظریه‌های رفتاری، کارآفرینی یکی از اساسی‌ترین وسیله‌های ارزش‌آفرینی شناخته شده است (Ahmad, 2011: 123). طرفداران نظریه‌های رفتاری، فرایند کارآفرینی را یک فرایند پیچیده دانسته که به شدت تحت تاثیر محیط و زمینه‌های رفتاری افراد قرار دارد. محققان رفتاری نحوه رفتار افراد، نگاه مثبت مردان به کارکردن زنان و نحوه رفتار انسان در محیط، ریسک‌پذیری و اعتماد به نفس را عوامل موفقیت و توسعه کارآفرینی بر می‌شمارد (Coope et al, 1994: 376). در نظریه‌های اقتصادی بیشتر به بحث نوآوری در تولید محصول و جلب سرمایه‌گذاری، ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، ایجاد مبادله و گردش پول، فراهم آوردن ابزار و تولید محصولات جدید قابل عرضه به بازار، و آگاهی از فرصت‌های سودآور و کشف نشده اشاره کرده‌اند (Chowdhury, 2007: 240). نظریه‌پردازان اقتصادی از نظر عواملی چون توانایی مالی، بازاریابی درآمد و پس‌انداز، سرمایه، پول، و تولید بیشتر به بررسی کارآفرینی می‌پردازند (Datta and Gailey, 1998: 513). آنها معتقدند که زنان باتوجه به اینکه نصف جمعیت را شامل می‌شوند توجه به آنها باعث افزایش تولید بیشتر در جامعه می‌شود (Jennings and Brush, 2013:665). در ادامه نتایج و دیدگاه هر یک محققانی که از نگاه تخصصی خود به عوامل توسعه کارآفرینی توجه داشته‌اند آورده شده است. مینیتی و ناردونه^۱ (۲۰۰۷) از پژوهشگران دیدبان جهانی کارآفرینی (GEM)^۲ در سال ۲۰۰۲ مطالعاتی در زمینه کارآفرینی زنان و مردان در محیط‌های اقتصادی و اجتماعی مشابه شروع کردند. آنها نتیجه گرفتند که تفاوت‌های ذاتی در تمایل به شروع کسب و کار در میان جنس‌ها

۱ - Minniti and Nardone

۲ - Global Entrepreneurship Monitor

وجود دارد. این تفاوت‌ها جهانی هستند؛ زیرا عوامل و شرایط اجتماعی-اقتصادی و محیطی متفاوت می‌باشند. کابالا^۱ (۲۰۰۸)، توسعه فرهنگ کارآفرینی و آموزش کارآفرینی را از پیش‌نیازهای اصلی برای توسعه کارآفرینی جنسیتی به حساب می‌آورد. پینس و اسکوارت^۲ (۲۰۰۸) جنبه‌های مالی و سرمایه‌گذاری را مهم‌ترین عامل در توسعه کارآفرینی می‌دانند. مطالعه شینار و همکاران^۳ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که زمینه‌های فرهنگی یک کشور تفاوت‌های جنسیتی در ادراکات کارآفرینی را شکل می‌دهد. بانک جهانی^۴ (۲۰۱۲)، زمینه‌های دسترسی آسان به سرمایه، تشدید حمایت‌های فنی- تخصصی و بسترسازی فرهنگی را مهم‌ترین عوامل توسعه کارآفرینی قلمداد می‌کند. بر اساس نظر گرین^۵ (۲۰۱۳)، عقلانیت سرمایه‌داری و نهادهای اجتماعی سرمایه‌داری برای پیشبرد یک فعالیت کارآفرینی از پیش‌نیازهای مهم هستند. گپتا^۶ و همکاران (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که باورهای کلیشه‌ای که از طریق اجتماعی شدن به دست می‌آیند، تفاوت‌های جنسیتی را در ارزیابی فرصت‌های کارآفرینی توضیح را می‌دهند. نیکولو^۷ و همکاران (۲۰۱۸) در زمینه مباحث کارآفرینی بیان داشتند که سطح هورمون تستوسترون یک عامل تعیین‌کننده در توسعه کارآفرینی می‌باشد. مرور مطالعات حاکی از آن است که در داخل کشور مطالعه‌ای در زمینه بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی صورت نگرفته و تفاوت این مطالعه با مطالعات قبلی در این است که در این پژوهش ضمن بررسی پیش-نیازهای توسعه کارآفرینی، به بررسی تفاوت جنسیتی این پیش‌نیازها پرداخته است. در این پژوهش به صورت ترکیبی از پیش‌نیازهایی که با جوامع روستایی ارتباط داشته استفاده شد (شکل ۱).

۱- Cabala

۲- Pines and Schwartz

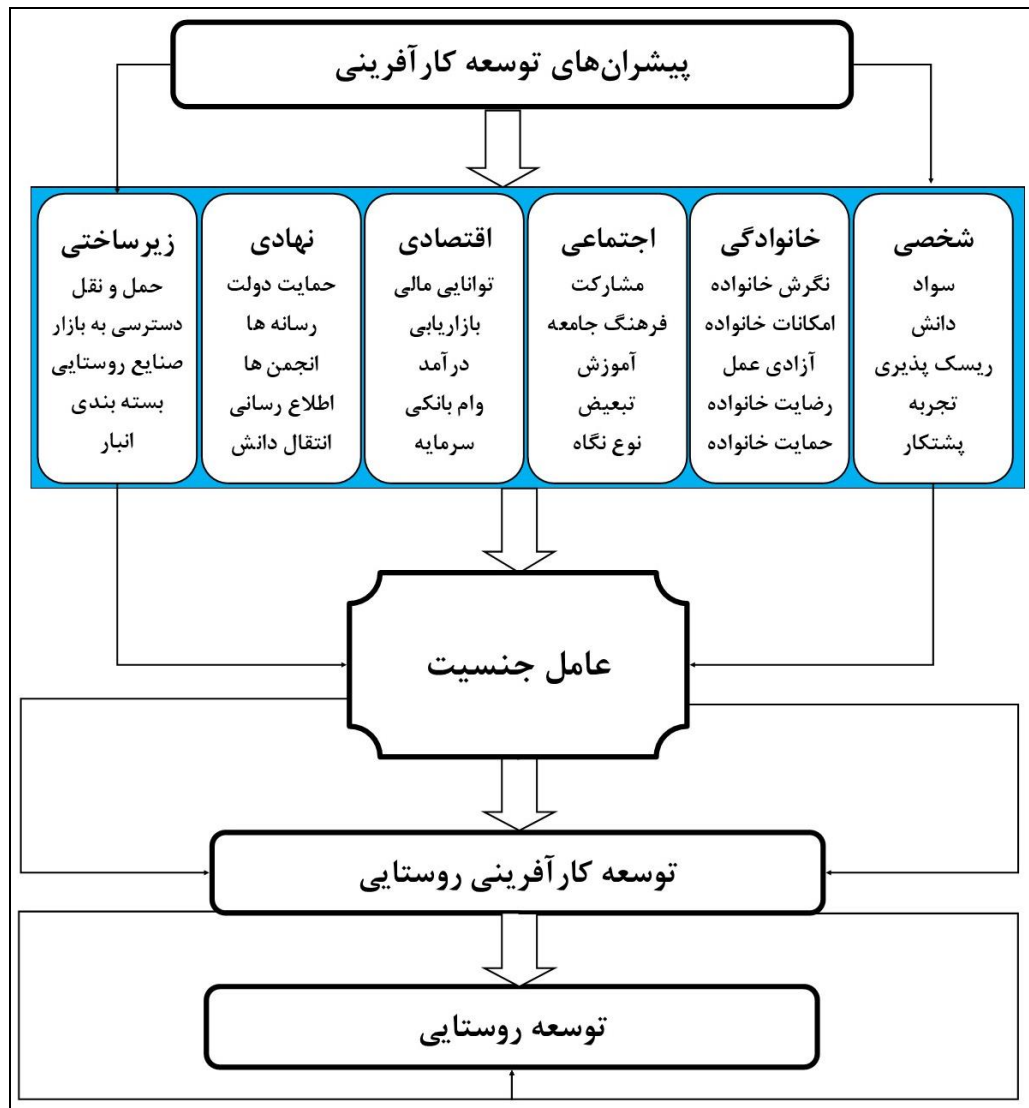
۳- Shinnar

۴- World Bank

۵- Green

۶- Gupta

۷- Nicolaou



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش، پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی

منطقه مورد مطالعه

بخش پایی به عنوان منطقه مورد مطالعه پژوهش، یکی از شش بخش شهرستان خرم‌آباد در استان لرستان می‌باشد. شهرستان خرم‌آباد در مرکز استان لرستان واقع شده که موقعیت نسبی آن در (شکل ۲) نشان داده شده است. بخش پایی براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۱۶۸۲۵ نفر جمعیت (۳۴۴۱ خانوار) بوده که از این تعداد ۸۸۷۵ نفر (۲۳۴۶ خانوار) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از این تعداد جمعیت روستایی ۴۵۷۸ نفر مرد و ۴۱۹۵ زن می‌باشند. این بخش دارای ۱۲۶ روستای دارای سکنه می‌باشد.

۲۹	۳۱	۷۶۱	۸۳۲	۱۵۹۳	۴۱۷	۲۸	چم‌سنگر	پیش‌نیازها
۶۵	۶۷	۱۷۴۴	۱۷۸۹	۳۵۳۵	۹۳۸	۳۱	سپیددشت	
۲۰	۲۲	۵۱۸	۵۷۵	۱۰۹۳	۲۹۲	۲۸	کشور	
۲۵	۳۱	۶۶۷	۸۲۶	۱۴۹۳	۴۳۰	۲۳	گریت	
۱۹	۲۱	۵۰۵	۵۵۶	۱۰۶۱	۲۶۹	۱۶	تنگ‌هفت	
۱۵۸	۱۷۲	۴۱۹۵	۴۵۷۸	۸۷۷۵	۲۳۴۶	۱۲۶	۵	جمع

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) استفاده شد. روش‌های آماری در نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰، نرم‌افزار Minitab نسخه ۱۶ و Spss نسخه ۲۲ انجام شد. برای رسیدن به جواب سؤالات تحقیق، ابتدا با استفاده از مدل لجستیک باینری (روش LM- نیوتن- مارکارد- رافسون) به بررسی عوامل و پیش‌نیازهای کلی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی (زنان و مردان) پرداخته شد. برای بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی زنان و مردان روستایی و دسته‌بندی جنسیتی این پیش‌نیازها، از آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA) و آزمون‌های تعقیبی (Post-Hoc) استفاده شد. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی محتوا مورد تایید قرار گرفت که توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. برای سنجش پایایی از ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون گرفته و میزان ضریب اعتماد با آزمون آلفای کرونباخ^۱ محاسبه شد. روایی کل ۰/۷۹ بالاتر از ۰/۷۰ بود که نشان دهنده قابل قبولی پایایی ابزار سنجش می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲: آلفای محاسبه شده برای هر عامل

پیش‌نیازها	تعداد متغیر	آلفای کرونباخ
شخصی	۶	۰/۸۳
خانوادگی	۵	۰/۷۸
فرهنگی- اجتماعی	۶	۰/۸۰
اقتصادی	۵	۰/۸۶
ساختاری- نهادی	۵	۰/۷۴
زیرساختی	۵	۰/۷۶
کل	۳۲	۰/۷۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بر اساس ادبیات موضوع و بحث‌های تعاملی با ۳۰ زن و مرد محلی و ۲۰ کارشناس در زمینه‌های مختلف تحصیلی (جامعه‌شناسی، کارآفرینی، اقتصاد و برنامه‌ریزی روستایی)، ۳۲ متغیر و در قالب ۶ پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی که با مناطق روستای در ارتباط بودند شناسایی و تجزیه و تحلیل شد (جدول ۳).

جدول ۳- پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

عوامل	متغیر	توضیح متغیر
شخصی	سطح سواد	میزان سطح سواد برای ایجاد کسب و کار جدید
	ریسک‌پذیری	میزان ریسک‌پذیری برای انجام کار جدید
	اعتماد به نفس	میزان خودباوری و اعتماد به نفس
	توانایی فردی	توانایی انجام مسئولیت واگذار شده

خانوادگی	پشتکار	مصمم و سرسخت بودن در ایجاد شغل جدید
	دانش	میزان سطح دانش و آگاهی از کارآفرینی
	نگرش خانواده	نگرش خانواده در مورد راه‌اندازی کسب و کار جدید
	امکانات خانواده	امکانات خانواده در جهت کمک به راه‌اندازی کسب و کار جدید
	آزادی عمل	میزان آزادی کارآفرین از طرف خانواده راه‌اندازی کسب و کار جدید
	رضایت خانواده	میزان اجازه و رضایت خانواده برای ایجاد درآمد
	حمایت خانواده	میزان حمایت خانواده از کارآفرینی و کسب و کار جدید
فهمی - اجتماعی	مشارکت	مشارکت دادن زنان در امور مختلف
	نوع نگاه	نگاه مثبت مردان به کارکردن زنان و ایجاد کسب و کار
	فرهنگ جامعه	فرهنگ موجود در جامعه و دید جامعه نسبت به کارآفرینی
	مهارت	برگزاری کلاس‌های مهارت‌افزایی و استفاده از تجارب کارآفرینان موفق
	آموزش	برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه کسب و کار
اقتصادی	تبعیض جنسیتی	عدم تبعیض جنسیتی و تفاوت بین زن و مرد در راه‌اندازی کسب و کار
	توانایی مالی	میزان توان مالی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید
	بازاریابی	توانایی بازاریابی برای محصولات تولید شده
	درآمد و پس‌انداز	مالکیت و داشتن یک مکان خاص برای کسب و کار جدید
	وام بانکی	منابع مالی و وام‌های بانکی و حمایت موسسات از کارآفرینی
ساختاری - نهادی	سرمایه	داشتن سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار جدید
	انجمن	وجود انجمن‌های کارآفرینی
	رسانه‌ها	پوشش فراگیر رسانه‌های جمعی در زمینه کارآفرینی
	حمایت دولت	حمایت دولت از کارآفرینان
	اطلاع‌رسانی	سازمان‌هایی برای دادن آگاهی در زمینه نوع تولیدات به کارآفرینان
زیرساختی	انتقال دانش	انتقال دانش کارآفرینان موفق به افراد منطقه
	حمل و نقل	وجود زیرساخت و شبکه حمل و نقل مناسب (جاده روستایی مناسب)
	دسترسی به بازار	نزدیکی و دسترسی به بازار فروش برای محصولات تولیدی توسط زنان
	صنایع روستایی	وجود صنایع روستایی برای فرآوری و درجه‌بندی محصولات تولیدی
	انبار	وجود انبار و محل مناسب نگهداری محصول تولیدی
بسته‌بندی	وجود امکانات بسته‌بندی محصولات تولیدی	

منبع: محمدی‌یگانه، ۱۳۹۲؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و طولابی‌نژاد، ۱۳۹۸؛ Shahriar, 2018; Nicolaou et al, 2018; Gupta et al, 2014;

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان داد که بیشترین فراوانی گروه سنی مردان بین ۴۰ تا ۵۰ سال و سن زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده است. بیشترین فراوانی سطح سواد پاسخگویان مرد مربوط به دیپلم و فوق دیپلم و تحصیلات زنان مربوط به ابتدایی بوده که نشان‌دهنده سطح پایین تحصیلات زنان نسبت به مردان می‌باشد. شغل ۵۹/۴ درصد پاسخگویان مرد آزاد و شغل ۸۷/۹ درصد پاسخگویان زن خانه‌دار بوده است. از لحاظ تأهل از مجموع ۱۷۲ پاسخگوی مرد، ۱۶۸ نفر متأهل و بقیه مجرد، از ۱۵۸ زن پاسخگو ۱۴۳ نفر متأهل و بقیه مجرد بوده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه یا جمعیت هدف

مشخصات پاسخ‌دهنده	جوامع	بیشترین پاسخگو	تعداد پاسخگو	درصد
سن	مرد	۴۰ تا ۵۰ سال	۸۹	۵۱/۷

۴۱/۱	۶۵	زن	۳۰ تا ۴۰ سال
۴۵/۳	۷۸	مرد	دیپلم و فوق دیپلم
۴۳/۶	۶۹	زن	ابتدایی
۹۷/۶	۱۶۸	مرد	متاهل
۹۰/۵	۱۴۳	زن	متاهل
۵۹/۴	۸۵	مرد	آزاد
۸۷/۹	۱۳۹	زن	خانه‌دار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بررسی مهم‌ترین پیش‌نیازهای کلی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

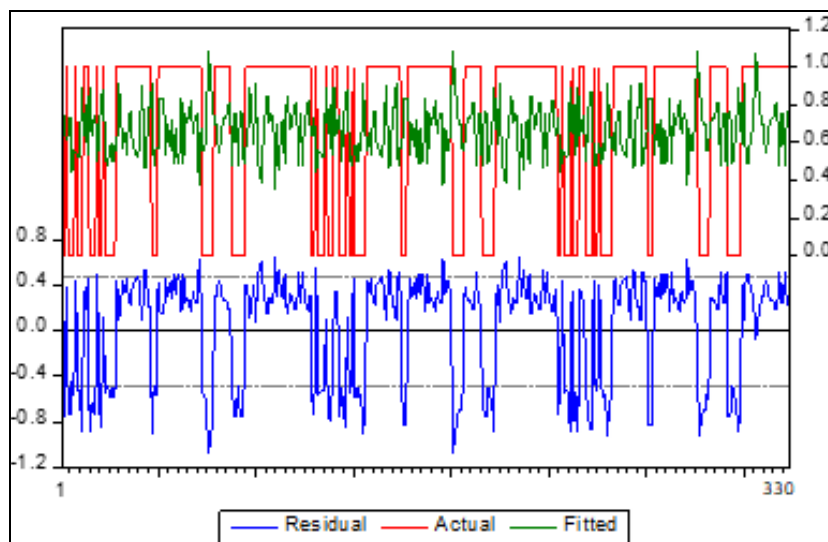
همان طوری که در روش تحقیق توضیح داده شد برای بررسی پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی و پاسخ به سوال اول پژوهش، از مدل لجستیک باینری استفاده شد. نخستین خروجی در تحلیل مدل، آماره $H.L$ و X^2 برای سنجش اعتبار و نیکویی مدل است که از نتیجه اجرای آزمون HL (Hosmer-Lemeshow) به دست می‌آید. سطح معنی‌داری و مقدار این آماره بیانگر معنی‌داری و نیکویی برازش آن با داده‌های آماری می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵: آزمون HL برای سنجش اعتبار و معنی‌داری مدل

آماره $H-L$	آماره X^2	سطح معنی‌داری (p)
۹/۸۶۳	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در شکل (۳) اثرات واقعی (رنگ قرمز)، برازش شده (رنگ سبز) و اثرات باقی‌مانده (رنگ آبی)، مدل آورده شده که نشان دهنده برازش مناسب رابطه خطی و معنی‌دار بین این پیش‌نیازها و توسعه کارآفرینی روستایی بوده است.



شکل ۳: برازش مدل پیش‌نیازها و متغیرهای موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

پس از اطمینان از اعتبار و برازش مدل به ارزیابی اثرات مجموعه متغیرهای مستقل در برآورد متغیر وابسته پرداخته شد. نتایج نشان داد که از بین ۳۲ متغیر تحقیق، ۱۰ متغیر (علامت **) ارتباط بیشتری با توسعه کارآفرینی روستایی دارند. سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نشان می‌دهد که متغیرهای اعتماد به نفس، توانایی، پشتکار، امکانات خانواده، رضایت خانواده، مشارکت، توانایی مالی، درآمد و پس‌انداز، سرمایه، و حمایت دولت اثر بیشتری بر توسعه فعالیت‌های

کارآفرینی روستایی داشته‌اند. در این بین، بیشترین اثرگذاری متغیرها مربوط به درآمد و پس‌انداز، سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار جدید، حمایت دولت از کارآفرینی روستایی و امکانات خانواده بوده است. یافته‌ها نشان داد که بیشتر پاسخگویان درآمد و پس‌انداز با ضریب (۰/۸۸۴) را مهم‌ترین متغیر موثر بر ایجاد کارآفرینی دانسته و معتقد بودند که به دلیل نداشتن درآمد و پس‌انداز کافی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید، باعث شده که آنها نتوانند دنبال فعالیت‌های کارآفرینی و ایجاد کسب و کار بروند. لذا این متغیر را مهم‌ترین متغیر موثر بر توسعه کارآفرینی در نظر گرفته‌اند. روستاییان منطقه داشتن سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کسب و کار جدید با ضریب (۰/۷۴۵) که وابستگی زیادی به منابع درآمدی آنها دارد را به عنوان دومین متغیر مهم در نظر گرفتند. طبق مصاحبه‌ای که با هر دو گروه زنان و مردان روستایی به عنوان جامعه آماری پژوهش صورت گرفت، آنان معتقد بودند که نبود درآمد کافی و در نتیجه نبود سرمایه باعث شده که دنبال فعالیت‌های کارآفرینی نروند. روستاییان معتقد بودند با توجه به درآمد پایین و عدم وجود سرمایه برای کسب و کار جدید، حمایت دولت از آنها در جهت توسعه کارآفرینان روستایی و کمک در زمینه ایجاد تسهیلات مناسب برای کارآفرینی روستایی، مثل دادن وام با بهره کم و رفع موانع اداری می‌تواند باعث افزایش و توسعه فعالیت‌های کارآفرینی آنها گردد. لذا آنها حمایت دولت از کارآفرینی با ضریب (۰/۶۹۸) را به عنوان سومین متغیر مهم توسعه کارآفرینی دانسته‌اند. همچنین پاسخگویان معتقد بودند که به دلیل ناتوانی خانواده آنان در تامین سرمایه و حمایت از توسعه کارآفرینی باعث شده که ما نیز توانایی چندانی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید نداشته باشیم و به همین خاطر پاسخگویان و به ویژه زنان روستایی اظهار داشتند که امکانات خانواده می‌تواند به توسعه کارآفرینی کمک زیادی کند و لذا آنان این متغیر را با ضریب (۰/۶۴۱) به عنوان چهارمین متغیر مهم در نظر گرفته‌اند. توانایی انجام مسئولیت واگذار شده (۰/۵۶۰)، میزان توان مالی برای راه‌اندازی کسب و کار جدید (۰/۵۴۷)، اعتماد به نفس (۰/۵۰۱) نیز از جمله مهم‌ترین متغیرهای موثر و تاثیرگذار بر توسعه کارآفرینی هر دو گروه زنان و مردان روستایی بوده است (جدول ۶).

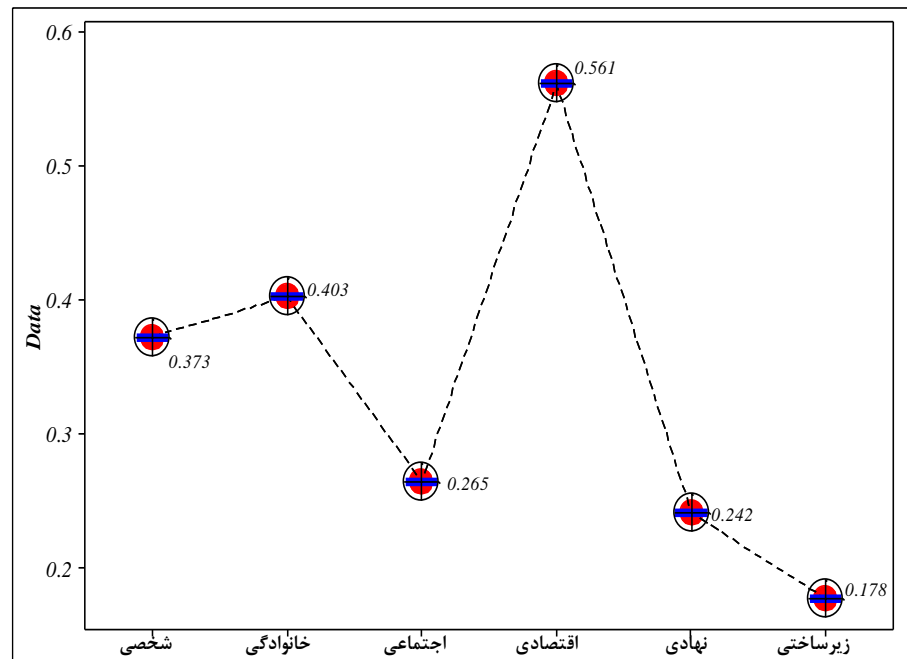
جدول ۶: پیش‌نیازها و متغیرهای موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	معنی داری	پیش‌نیازها
شخصی (۰/۳۳۳)	۰/۲۹۰*	۰/۰۳۹	۳/۸۴۵	۰/۰۰۳	سطح سواد
	۰/۱۲۲	۰/۰۳۵	۱/۸۶۳	۰/۰۰۴	ریسک‌پذیری
	۰/۵۰۱**	۰/۰۴۸	۸/۷۱۶	۰/۰۰۰	اعتماد به نفس
	۰/۵۶۰**	۰/۰۴۹	۹/۱۰۷	۰/۰۰۰	توانایی انجام کار
	۰/۴۶۹**	۰/۰۴۷	۷/۰۱۱	۰/۰۰۱	پشتکار
	۰/۲۷۰*	۰/۰۳۹	۳/۵۲۵	۰/۰۰۵	دانش
خانوادگی (۰/۴۰۳)	۰/۲۹۹*	۰/۰۳۹	۳/۹۸۸	۰/۰۰۲	نگرش خانواده
	۰/۶۴۱**	۰/۰۴۹	۹/۴۴۷	۰/۰۰۰	امکانات خانواده
	۰/۱۹۰	۰/۰۳۶	۲/۶۹۸	۰/۰۰۶	آزادی عمل
	۰/۴۷۵**	۰/۰۴۷	۷/۳۲۱	۰/۰۰۱	رضایت خانواده
	۰/۴۱۳*	۰/۰۴۴	۵/۶۳۵	۰/۰۰۲	حمایت خانواده
فرهنگی - اجتماعی (۰/۲۶۵)	۰/۴۷۲**	۰/۰۴۷	۷/۲۲۱	۰/۰۰۱	مشارکت
	۰/۳۲۹*	۰/۰۴۱	۴/۲۱۸	۰/۰۰۳	نوع نگاه مردان
	۰/۱۲۵	۰/۰۳۵	۱/۸۷۲	۰/۰۶۷	فرهنگ جامعه
	۰/۴۶۳*	۰/۰۴۵	۶/۰۳۵	۰/۰۰۲	مهارت
	۰/۱۰۲	۰/۰۳۴	۱/۱۷۳	۰/۰۵۶	آموزش
	۰/۱۰۳	۰/۰۳۵	۱/۱۷۸	۰/۰۸۸	تبعیض جنسیتی

اقتصادی (۰/۵۶۱)	توانایی مالی	۰/۵۴۷**	۰/۰۴۸	۸/۸۵۶	۰/۰۰۰
	بازاریابی	۰/۲۱۹*	۰/۰۳۷	۳/۰۰۲	۰/۰۰۵
	درآمد و پس‌انداز	۰/۸۸۴**	۰/۰۵۸	۱۲/۸۵۴	۰/۰۰۰
	وام بانکی	۰/۴۰۹*	۰/۰۴۴	۵/۲۱۰	۰/۰۰۳
	سرمایه	۰/۷۴۵**	۰/۰۵۳	۱۰/۰۵۷	۰/۰۰۰
ساختاری- نهادی (۰/۳۴۲)	انجمن‌ها	۰/۰۴۶	۰/۰۳۰	۰/۶۸۴	۰/۲۳۱
	رسانه‌ها	۰/۰۹۳	۰/۰۳۴	۱/۰۷۳	۰/۰۵۶
	حمایت دولت	۰/۶۹۸**	۰/۰۵۱	۹/۶۵۸	۰/۰۰۰
	اطلاع‌رسانی	۰/۲۲۵*	۰/۰۳۸	۳/۱۲۵	۰/۰۰۵
	انتقال دانش	۰/۱۵۱	۰/۰۳۶	۲/۳۸۸	۰/۰۶۴
زیرساختی (۰/۱۷۸)	حمل و نقل	۰/۳۲۴*	۰/۰۴۱	۴/۰۰۲	۰/۰۰۳
	دسترسی به بازار	۰/۱۹۸	۰/۰۳۶	۲/۸۷۹	۰/۰۵۴
	صنایع روستایی	۰/۲۱۷*	۰/۰۳۷	۳/۰۰۱	۰/۰۰۵
	آبار	۰/۰۶۶	۰/۰۳۱	۰/۷۷۶	۰/۰۶۵
	بسته‌بندی	۰/۰۸۶	۰/۰۳۲	۰/۹۹۸	۰/۰۶۱
خلاصه مشاهده					
مقیاس: C: (۳۳)		۰/۵۶۸	۰/۰۴۷	۱۳/۸۶۵	۰/۰۰۰
احتمال ورود	تعداد مشاهده		۳۳۰		
	میانگین احتمال ورود		۶/۳۱۲		
	انحراف رگرسیون		۰/۳۲۱		
* معنی‌داری در سطح ۵ درصد؛ ** معنی‌داری در سطح ۱ درصد					

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

یافته‌های مدل در زمینه پیش‌نیازهای کلی موثر بر توسعه کارآفرینی نیز نشان داد که از بین ۶ عامل در نظر گرفته شده، سه عامل (علامت **) بیشترین اثر را بر توسعه کارآفرینی روستاییان بخش پایی داشته‌اند. ضریب هر یک از پیش-نیازهای کلی نشان داد که به ترتیب عوامل اقتصادی (۰/۵۶۱)، خانوادگی (۰/۴۰۳) و شخصی (۰/۳۷۳) بیشترین اثرات را بر توسعه کارآفرینی داشته‌اند. شکل (۴) نیز شدت و ضعف اثرات هریک از ۶ عامل را نشان می‌دهد. از بین این پیش‌نیازها، بیشترین اثر مربوط به عامل اقتصادی و کمترین مربوط به عامل زیرساختی بوده است. لذا سؤال اول پژوهش مبتنی بر شناسایی مهم‌ترین پیش‌نیازهای کلی توسعه کارآفرینی روستایی در منطقه مورد مطالعه پاسخ داده شد.



شکل ۴: مقادیر پیش‌نیازهای کلی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی روستایی

بعد از بررسی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی، سوال این است (سوال دوم پژوهش) که آیا پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی مردان و زنان روستایی یکسان می‌باشد؟ یا متفاوت؟ برای بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی از آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شد. با توجه به یافته‌های جدول (۷)، و بر اساس مقدار sig که در سطح اطمینان ۹۹ درصد کمتر از ۰.۰۰۱ است، می‌توان گفت که فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود. یعنی پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی بین دو گروه زنان و مردان روستایی متفاوت می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که پیش‌نیازها و عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی با یکدیگر متفاوت بوده و هر گروه زنان و مردان پیش‌نیازهایی را برای توسعه کارآفرینی در نظر گرفته‌اند. لذا سوال دوم پژوهش مبنی بر وجود تفاوت بین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی مردان و زنان روستایی پاسخ داده شد. در ادامه مهم‌ترین پیش‌نیازهای جنسیتی و تفاوت آنها توضیح داده شد.

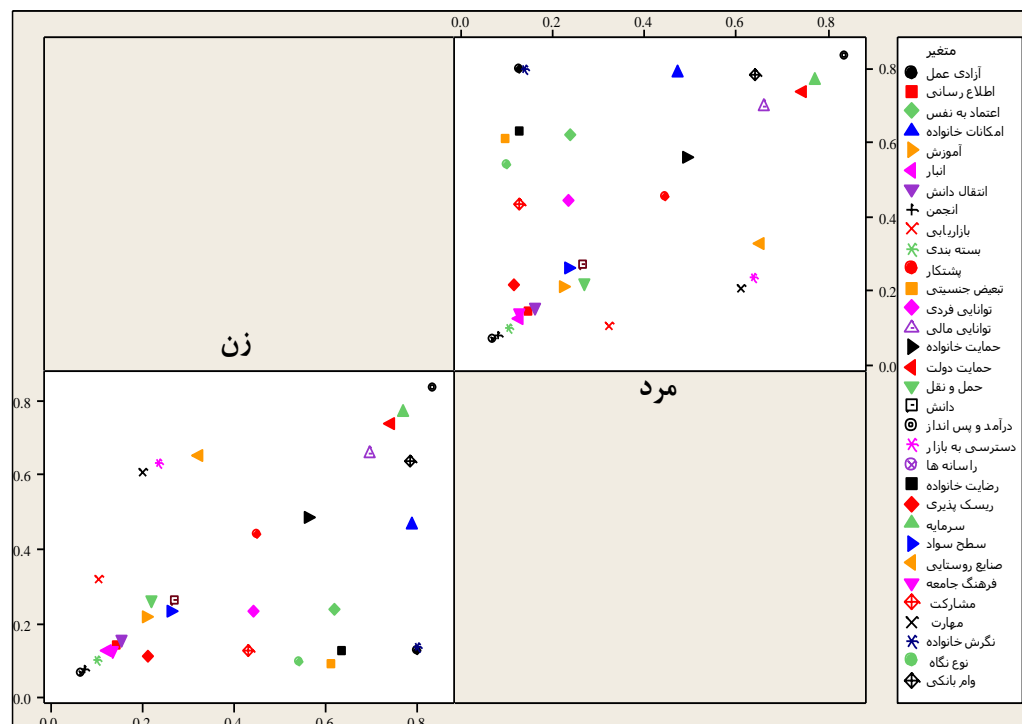
جدول ۷: تحلیل واریانس مبتنی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی روستایی

متغیر	واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	آماره F	معنی‌داری (sig)
پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی	بین گروهی	۱۱/۰۸۱	۱	۱۰/۰۹۱	۳۵/۲۸۷	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۰۵/۸۹۸	۳۲۹	۰/۲۹۵		
	مجموع	۱۱۳/۹۸۹	۳۳۰	-		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

برای بررسی هر یک از پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی مردان و زنان به عنوان جامعه آماری پژوهش از آزمون‌های تعقیبی (Post-Hoc) استفاده شد. یافته‌های این آزمون (شکل ۵) نشان داد که اکثر متغیرها (به جز متغیرهای اقتصادی که تقریباً بین زنان و مردان مشترک بوده) تفاوت زیادی بین دو گروه زنان و مردان وجود داشته است. مردان

روستایی به ترتیب متغیرهای درآمد و پس‌انداز، سرمایه، حمایت دولت از توسعه کارآفرینی، توانایی مالی، و وام‌های بانکی که بیشتر در برگیرنده متغیرهای اقتصادی بوده را مهم‌ترین متغیرهای موثر بر توسعه کارآفرینی در نظر گرفته‌اند. در مرتبه دوم تاکید مردان بر متغیرهایی چون صنایع روستایی، دسترسی به بازار فروش محصولات، و برگزاری کلاس‌های مهارت آموزی که بیشتر در برگیرنده متغیرهای نهادی و زیرساختی اند، بوده است. لذا اکثر مردان بیشترین تاکید را بیشتری بر متغیرهای اقتصادی، زیرساختی و نهادی داشته‌اند. بر اساس مصاحبه‌هایی که با مردان روستایی انجام گرفت، آنان اظهار داشتند که از توسعه فعالیت‌های کارآفرینی استقبال می‌کنند ولی به دلیل وجود سرمایه، منابع مالی و همچنین عدم حمایت سازمان‌های مرتبط، آنان توانایی لازم برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی را ندارند. بررسی نظرات زنان روستایی در مورد متغیرهای موثر بر توسعه کارآفرینی نیز نشان می‌دهد که زنان روستایی به ترتیب بر متغیرهایی چون درآمد و پس‌انداز، نگرش و امکانات خانواده، وام و اعتبارات بانکی، امکانات خانواده، و آزادی عمل تاکید داشته‌اند. زنان روستایی در مرتبه بعدی تاکید بیشتری بر متغیرهایی چون، حمایت خانواده، میزان اعتماد به نفس، رضایت خانواده، نوع نگاه مردان به کارآفرینی زنان، و تبعیض جنسیتی داشته‌اند. با توجه به این تفاسیر می‌توان گفت که زنان روستایی علاوه بر متغیرهای اقتصادی، بیشترین تاکید را بر متغیرهای خانوادگی، و فرهنگی - اجتماعی داشته‌اند. طبق مصاحبه‌هایی که با زنان روستایی انجام گرفت آنها اظهار داشتند؛ با توجه به جذب کمتر زنان نسبت به مردان در بخش دولتی، زنان تمایل بیشتری برای کارآفرینی دارند. ولی به دلیل وابسته بودن به سرپرست خانواده و همسر، و تبعیض جنسیتی قادر به ایجاد کارآفرینی نبوده‌اند و در مقایسه با مردان با محدودیت‌های بیشتری برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی روبرو هستند. آنان بیان داشتند که مردان بیشتر با موانع اقتصادی روبرو می‌باشند، در حالی که زنان علاوه بر موانع اقتصادی، با موانع خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی نیز روبرو هستند.



شکل ۵: تفاوت متغیرهای جنسیتی توسعه کارآفرینی روستایی

با اساس نتایج آزمون تعقیبی، پیش‌نیازهای جنسیتی در سه طبقه (طبقه اول: اثرات بیشتر)، اثرات متوسط (طبقه دوم) و اثرات کم (طبقه سوم) دسته‌بندی شد. یافته‌ها (جدول ۸) بر اساس میانگین و سطح تحت پوشش (sig) نشان داد که

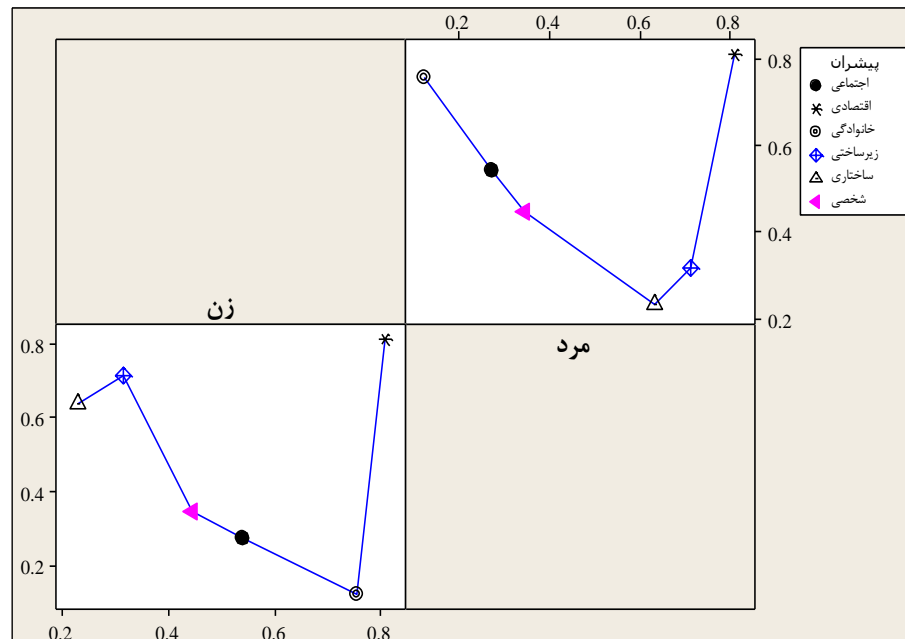
تفاوت معنی‌داری بین اکثر پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی به عنوان جامعه آماری پژوهش وجود دارد. در این زمینه با توجه به طبقات مختلف از نظر مردان، به ترتیب عوامل اقتصادی، زیرساختی، و عامل نهادی- ساختاری مهم‌ترین پیش‌نیازهای موثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی می‌باشند. در حالی که از نظر زنان روستایی علاوه بر عامل اقتصادی که بین زنان و مردان مشترک بوده، به ترتیب عوامل خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی، و عامل شخصی مهم‌ترین پیش‌نیازهای موثر بر توسعه کارآفرینی بوده است.

جدول ۸: وضعیت پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی

طبقات (توسعه کارآفرینی)						پیش‌نیاز
میانگین	طبقه سوم	میانگین	طبقه دوم	میانگین	طبقه اول	
-	-	۳/۰۳	مرد** زن**	-	-	شخصی
۲/۲۱	مرد***	-	-	۴/۰۷	زن*	خانوادگی
۲/۷۲	مرد***	۳/۱۲	زن**	-	-	فرهنگی- اجتماعی
-	-	-	-	۴/۷۳	زن* مرد*	اقتصادی
۲/۲۰	زن***	۳/۲۲	مرد**	-	-	ساختاری- نهادی
۲/۵۶	زن***	-	-	۳/۸۹	مرد*	زیرساختی
*معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵؛ **معنی‌داری در سطح ۰/۰۵؛ ***معنی‌داری در سطح ۰/۰۱						

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

مقایسه مدل‌های گرافیکی این آزمون در نرم‌افزار Minitab (شکل ۶) نشان دهنده این تفاوت بوده و تایید می‌کند که علاوه بر عامل اقتصادی که بین هر دو جنسیت مشترک بوده، سایر عوامل و پیشران‌های موثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی زنان و مردان روستایی متفاوت بوده است. زنان روستایی بر پیش‌نیازهای اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی- اجتماعی بیشترین تاکید را داشته‌اند؛ در حالی که مردان روستایی بر عوامل اقتصادی، زیرساختی و ساختاری- نهادی تاکید بیشتری داشته‌اند. لذا سوال سوم پژوهش مبنی بر شناسایی پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی پاسخ داده شد.



شکل ۶: پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از دلایل عدم توسعه مناطق روستایی استان لرستان و به خصوص شهرستان خرم‌آباد محدود بودن گزینه‌های توسعه اقتصادی آنهاست. امرار معاش و درآمد آنها نیز به وسیله روش‌های سنتی فراهم می‌گردد. برای تحرک اقتصاد روستایی در این منطقه فراهم کردن جایگزینی برای استفاده از منابع محلی یک امر اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اثرات نسبتاً سودمند توسعه فعالیت‌های کارآفرینی مانند ایجاد درآمد و اشتغال، بهترین گزینه برای بالا بردن معیشت روستایی و ایجاد تغییرات مثبت در توزیع درآمد در روستاهای این منطقه توسعه کارآفرینی می‌باشد. برای توسعه کارآفرینی نکته مهم شناسایی عوامل و متغیرهای موثر بر آن با توجه به عامل جنسیت می‌باشد تا با فراهم کردن این عوامل زمینه توسعه آن فراهم گردد. با این حال در استان لرستان و به‌ویژه منطقه مورد مطالعه با اینکه تقریباً نیمی از جمعیت را زنان تشکیل داده‌اند؛ ولی به دلیل سنتی بودن زندگی خانوارهای نواحی روستایی منطقه، زنان روستایی در مقایسه با مردان مشارکت چندانی در فعالیت‌های اقتصادی ندارند. هر چند زنان روستایی پا به پا و همراه و در کنار مردان به فعالیت‌های روزمره معیشتی و فعالیت‌های مختلفی چون کشاورزی، دامداری، پرورش طیور و غیره می‌پردازند. با این وجود سهم آنها، معیشت، حقوق و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها نسبت به مردان در سطح پایینی قرار دارد. از جمله راهکارهای مهم برای رفع این نابرابری بین زنان و مردان در این منطقه شناسایی عوامل و متغیرهای موثر بر توسعه کارآفرینی با توجه به جنسیت است تا برای رفع پیش‌نیازهای جنسیتی کارآفرینی اقدامات متناسب انجام گیرد. با توجه به اهمیت این موضوع در پژوهش حاضر نیز به بررسی تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در بخش پاپی شهرستان خرم‌آباد پرداخته شد. بررسی پیش‌نیازهای کلی موثر بر توسعه کارآفرینی هر دو گروه مرد و زن نشان داد که هر دو گروه زن و مرد به عنوان جامعه آماری پژوهش اظهار داشتند که از بین شش عامل در نظر گرفته شده، به ترتیب عوامل اقتصادی، خانوادگی و شخصی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی روستاییان می‌باشند. بررسی یافته‌های تفاوت پیش‌نیازهای جنسیتی توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی نشان داد که عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان و مردان روستایی با یکدیگر متفاوت بوده است. مردان، به ترتیب عوامل اقتصادی، زیرساختی، و عامل نهادی- ساختاری، را مهم‌ترین پیش‌نیازهای موثر بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی در

نظر گرفته‌اند. در حالی که از نظر زنان روستایی علاوه بر عامل اقتصادی که بین زنان و مردان مشترک بوده، به ترتیب عوامل خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی، و عامل شخصی مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی بوده است. با توجه به این تفاسیر می‌توان گفت که عوامل توسعه کارآفرینی بین زنان و مردان متفاوت بوده و لازم است برای برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای توسعه کارآفرینی روستایی به عامل جنسیت کارآفرینان توجه ویژه‌ای داشت و با توجه به جنسیت کارآفرینان استراتژی و الگوی متناسب اتخاذ گردد. در رابطه با یافته‌های این پژوهش، نکات زیر توصیه و پیشنهاد می‌شود:

الف) با توجه به اینکه عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی بین زنان و مردان متفاوت می‌باشد. دولت‌ها و سازمان‌های مربوطه در زمینه فراهم آوردن و ارائه امکانات کارآفرینی به خانوارهای روستایی به عامل جنسیت کارآفرینان توجه داشته باشند و زمینه سهولت دسترسی زنان به وام‌های خوداشتغالی و کارآفرینی را فراهم کنند؛

ب) با توجه به اینکه از نظر هر جنس، عامل اقتصادی مهم‌ترین پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی شناسایی شد؛ در این زمینه لازم است که با ارائه وام با سود پایین، اعتبارات مالی کارآفرینی، کاهش سود وام‌های کارآفرینی اقدامات لازم انجام گیرد؛

پ) ایجاد انگیزه برای انجام فعالیت‌های کارآفرینی به ویژه برای زنان روستایی مهم است، برگزاری کلاس‌های آموزشی در جهت ارتقاء توانمندسازی روانی و تشویق روستاییانی که تمایل به کارآفرینی دارند می‌تواند در ایجاد فعالیت‌های کارآفرینی تاثیر بسزایی داشته باشد؛

ت) با رفع نابرابری‌های جنسیتی و دخالت دادن و همکاری گرفتن از زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌های روستایی و به-ویژه در فعالیت‌های کارآفرینی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ضمن افزایش انگیزه زنان می‌تواند باعث توسعه فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی گردد؛

ث) روستاییان منطقه فقط از طریق دوستان و نزدیکان اطلاعات در مورد کارآفرینی را دریافت می‌کنند. راه‌اندازی انجمن‌های تخصصی به خصوص برای اطلاع‌رسانی درست از طریق رسانه‌ها می‌تواند باعث افزایش آگاهی روستاییان در مورد کارآفرینی شود؛

ج) نگرش منفی مردان به اشتغال زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه یکی از موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی می‌باشد. تغییر نگرش جامعه و به ویژه مناطق روستایی نسبت به توانمندی زنان در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند اثرات منفی این امر در توسعه کارآفرینی زنان را کاهش داد؛

ه) تدوین خط مشی‌ها، استراتژی‌ها و قوانین جنسیتی مناسب توسط دولت در جهت ترویج و توسعه کسب و کار و خود اشتغالی روستایی و رفع موانع آن از دیگر راهکارهای توسعه کارآفرینی می‌باشد؛

د) کمک‌های دولت در زمینه ایجاد زیرساخت‌های روستایی مانند شبکه ارتباطی و راه روستایی و ایجاد بازارهای محلی برای فروش محصولات از دیگر عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی می‌باشد.

همچنین توصیه می‌شود که مطالعات بیشتری در زمینه بررسی عوامل تاثیرگذار محلی و منطقه‌ای موثر بر توسعه کارآفرینی با تاکید بر جنسیت انجام گیرد. مقایسه نتایج به دست آمده این مطالعه و مطالعات پیشین می‌توان گفت که نتایج این مطالعه در زمینه عوامل اقتصادی با نتایج مطالعه، حسینی و لشگرآرا (۱۳۹۳)، صادقی و طولابی‌نژاد (۱۳۹۸)، دی‌ویتا و همکاران (۲۰۱۴)، ایبه (۲۰۱۷)، در زمینه عوامل شخصی با نتایج مطالعه صابریان و صبوری (۱۳۹۳)، خان (۲۰۱۴)، گرینه و همکاران (۲۰۱۵)، و در زمینه عوامل زیرساختی با نتایج مطالعه کرونیس (۲۰۰۶)، شهیار (۲۰۱۸) و در زمینه فرهنگی- اجتماعی با نتایج مطالعه قمبرعلی و همکاران (۱۳۹۵) و ایبه (۲۰۱۷)، همسو بوده و نتایج این تحقیقات را تأیید می‌نمایند.

منابع

۱. اکبری، مرتضی، آهنگر سله‌بنی، اعظم، هوشمندزاده، مجتبی، طهماسبی، راضیه، (۱۳۹۶)، "تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در قصد و رفتار کارآفرینان دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران"، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۹ (۷۳): ۴۵-۶۵.
۲. حسینی، طیبه، لشگرآرا، فرهاد (۱۳۹۳)، "شناسایی عوامل موثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در تعاونی‌های زنان روستایی استان فارس"، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۷ (۷): ۱۳-۳۳.
۳. حیدری‌ساربان، وکیل (۱۳۹۱)، "اولویت‌بندی موانع عمده کارآفرینی زنان روستایی با استفاده از روش AHP (مطالعه موردی: استان اردبیل)"، مطالعات اجتماعی-روانشناسی زنان، ۱۰ (۲): ۱۵۹-۱۷۷.
۴. صابریان، مهناز، صبوری، محمدصادق (۱۳۹۳)، "تحلیل عاملی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد سمنان"، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴): ۱۰۷-۱۱۵.
۵. صادقی، خدیجه، طولابی‌نژاد، مهرشاد، (۱۳۹۸)، "بررسی عوامل و محرک‌های موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان رشتخوان)"، اندیشه جغرافیایی، ۱۰ (۲۰): ۷۱-۹۰.
۶. قمبرعلی، رضوان، رستمی، فرحناز (۱۳۹۴)، "شناسایی مشکلات زنان کارآفرین استان کرمانشاه"، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲ (۱): ۱-۱۸.
۷. محمدی‌یگانه، بهروز (۱۳۹۲)، "توسعه کارآفرینی و نقش آن در هزینه اعتبارات فردی و گروهی کشاورزی استان زنجان"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲ (۴): ۴۳-۵۷.
۸. مؤمنی‌هلالی، هادی، مؤذن، زینب (۱۳۹۴)، "مروری بر موانع توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی"، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲ (۱): ۱۱۱-۱۲۴.
9. Ahl, H. (2006), "Why research on women entrepreneurs needs new directions, Enterp", *Theory Pract*, 30 (5): 595- 621.
10. Ahmad, S. Z. (2011), "Evidence of the characteristics of women entrepreneurs in the Kingdom of Saudi Arabia: An empirical investigation", *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 3 (2): 123- 143.
11. Anja, K. F. (2012), "Factors motivating women's informal micro-entrepreneurship: Experiences from Penang, Malaysia", *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 4 (1): 65- 78.
12. Bruton, G. D. Ketchen, D. and Ireland, D. (2013), "Entrepreneurship as a solution to poverty", *Journal of Business Venturing*, 28 (6): 683- 689.
13. Bussey, K. and Bandura, A. (1999), "Social cognitive theory of gender development and differentiation", *American Psychological Association*, 106 (4): 676- 677.
14. Cabala, L. (2008), "Design rural entrepreneurship in practice, COTF System for Community Transformation", New York: Guilford Press.
15. Chandra, A. McNamara, K. E. Dargusch, P. Caspe, A. M. and Dalabajan, D. (2017), "Gendered vulnerabilities of smallholder farmers to climate change in conflict-prone areas: A case study from Mindanao", Philippines, *Journal of Rural Studies*, 50 (19): 45- 59.
16. Chowdhury, M. S. (2007), "Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh", *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 1 (3): 240- 251.
17. Coope, A. Gimeno-Gascon, F. J. and Woo, C. Y. (1994), "Initial human and financial capital as predictors of new venture performance", *Journal of Business Venturing*, 9 (5): 371- 395.

18. Datta, P. B. and Gailey, R. (2012), Empowering women through social entrepreneurship: case study of a women's cooperative in India", *Enterp. Theory Pract*, 36 (3): 569- 587.
19. De Lamater, J. D. and Hyde, J. S. (1998), "Essentialism vs. social constructionism in the study of human sexuality", *Journal of Sex Research*, 35 (1), 10- 18.
20. De Vita, L. Mari, M. and Poggesi, S. (2014), "Women entrepreneurs in and from developing countries: Evidences from the literature", *European Management Journal*, 32 (3): 451- 460.
21. FAO, the State of Food and Agriculture, 2011; Dankelman, I., Gender and Climate Change: An Introduction, Earthscan, 2010; WomenWatch, 'Fact Sheet: Women, Gender Equality and Climate Change', 2009.
22. Gneezy, U. Leonard, K. L. List, K. A. (2009), "Gender differences in competition: evidence from a matrilineal and a patriarchal society", *Econometrica*, 77 (5): 1637- 1664.
23. Green, G. P. (2013), "Handbook of Rural Development, Massachusetts", Edward Elgar Publishing, USA.
24. Grine, F. Fares, G. Meguellati, A. (2015), "Islamic spirituality and entrepreneurship: A case study of women entrepreneurs in Malaysia", *Journal of Happiness & Well-Being*, 3(1): 41-56.
25. Gupta, V. K. Goktan, A. B. Gunay, G. (2014), "Gender differences in evaluation of new business opportunity: a stereotype threat perspective" *Journal of Business Venturing*, 29 (2): 273- 288.
26. Ibeh, E. M. (2017), "Factors Affecting Performance of Women Entrepreneurs", *Journal of Women's Entrepreneurship and Education*, 2 (1): 39- 50.
27. Jennings, J. E. and Brush, C. G. (2013), "Research on women entrepreneurs: challenges to (and from) the broader entrepreneurship literature?" *Academy of Management*, 7 (1): 663- 715.
28. Kantor, P. (2002), "Promoting Womens Entrepreneurship Development Based on Good Practice Programmes: Some Experience From the North to the South" *Working paper*, 4 (9): 79- 91.
29. Koellinger, P. Minniti, M. and Schade, C. (2013), "Gender differences in entrepreneurial propensity" *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 75 (2), 213- 234.
30. Lawrence, P. A. (2006), "Men, women, and ghosts in science", *PLOS Biology*, 4 (1): 13- 15.
31. MacGregor, S. (2010), "A stranger silence still: the need for feminist social research on climate change", *The Editorial of Sociological Review*, 57 (2): 124- 135.
32. Minniti, M. and Nardone, C. (2007), "Being in someone else's shoes: gender and nascent entrepreneurship, small business economics", *Small Business Economics*, 28 (1-2): 223- 239.
33. Mokaya, S. O. Namusonge, M. and Sikalieh, D. (2012), "The Concept of Entrepreneurship; in pursuit of a Universally Acceptable Definition", *International Journal of Arts and Commerce*, 11 (6): 128- 135.
34. Nicolaou, N. Patel, P. Wolfe, M. (2018), "Testosterone and tendency to engage in self-employment", *Management Science*, 64 (4): 1825- 1841.
35. Pelling, M. O'Brien, K. and Matyas, D. (2015), "Adaptation and transformation", *Climatic Change*, 133 (1): 113- 127.
36. Pines, A. M. and Schwartz, D. (2008), "now you see them, now you don't gender differences in entrepreneurship", *Journal of Managerial Psychology*, 23: 811- 832.

37. Rittippant, N. and Kokchang, W. (2011), "Measure of entrepreneurial intention of young adults in Thailand", *EPPM, Singapore*, 20:15-226.
38. Sánchez, M. C. Casero, D. and Aunión, D. (2014). "Gender analysis of entrepreneurial intentions as a function of economic development across three groups of countries", *International Entrepreneurship and Management Journal*, 10 (4): 747-765.
39. Schumpeter, J. (1994), "The Theory of Economic Development", Harvard University Press, Cambridge, MA.
40. Shahriar, A. Z. (2018), "Gender differences in entrepreneurial propensity: Evidence from matrilineal and patriarchal societies", *Journal of Business Venturing*, 33 (6): 762- 779.
41. Shinnar, R. S. Giacomini, O. and Janssen, F. (2012), "Entrepreneurial perceptions and intentions: the role of gender and culture", *Extending Women's Entrepreneurship Research in New Directions*, 36 (3): 465- 493.
42. Still, L. V. and Timms .W. (2000), "Women's business: the flexible alternative work style for women", *Women in Management Review*, 15 (5): 272- 283.
43. Terry, G. (2009), "No climate justice without gender justice: an overview of the issues", *Gender and Development*, 17 (1): 5- 18.
44. Welsh, D. H. Kaciak, E. and Shamah, R. (2018), "Determinants of women entrepreneurs' firm performance in a hostile environment", *Journal of Business Research*, 88 (7): 481- 491.
45. Wood, W. and Eagly, A. H. (2002), "A cross-cultural analysis of the behavior of women and men: implications for the origins of sex differences", *Psychological Bulletin*, 128 (5): 699- 727.
46. World Bank, (2012), "Reading the rural poor: UN Updated Strategy for Rural Development", Washington D.C, 65-68.